

کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران؛ مدلی برای سنجش و ارزیابی

نورالله قیصری*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۱

مصطفی قربانی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۰۵

چکیده

کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران از جمله موضوعاتی است که علی‌رغم اهمیت آن، معیارها و شاخص‌هایی برای ارزیابی و سنجش آن ارائه نشده است. از این‌رو، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که «کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران چگونه ارزیابی می‌شود و این نظام بر اساس شاخص‌های کارآمدی چه وضعیتی دارد؟» بنابراین، با یک رهیافت نظری جدید، کارآمدی با توجه عناصر و ارکان نظام‌های سیاسی، یعنی ایده، ساختار، کارگزار و رفتار تعریف شده، سپس شاخص‌های کارآمدی مرتبط با هر یک از این ارکان ارائه شده است. در گام بعدی، با عنایت به این شاخص‌ها، مدلی برای ارزیابی کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ارائه شده است. مدل ارائه‌شده علاوه بر بازنمایی وجوه مشترک نظام جمهوری اسلامی ایران با سایر نظام‌های سیاسی، ابعاد و ویژگی‌های خاص این نظام را نیز بازنمایی می‌کند. علاوه بر این، برخی مصادیق کارآمدی این نظام در هر یک از سطوح مذکور ذکر شده است.

واژه‌های کلیدی

کارآمدی، ایده، ساختار، کارگزار، رفتار، شاخص

مقدمه

کارآمدی نظام‌های سیاسی موضوعی بااهمیت است؛ زیرا نظام سیاسی، به‌عنوان گسترده‌ترین و کلان‌ترین ساحت نظام اجتماعی، در صورت کارآمد بودن، تحقق اهداف سایر نظامات اجتماعی را تسهیل می‌کند. از سوی دیگر، نظام‌های سیاسی همواره در درصدد پیشینه کردن کارآمدی برای تحصیل رضایت افزون‌تر شهروندان‌اند. درواقع، کارآمدی هم در ذات خود دارای اهمیت است و هم با توجه به شرایط و مقتضیات زمانه توجه بدان حائز اهمیت است.

کارآمدی برای نظام جمهوری اسلامی ایران نیز به دلیل مدعای تأسیس نظام نوین مردمسالاری دینی، اهداف و الزامات آن حائز اهمیت است. علیرغم این اهمیت، تاکنون ضابطه‌ها، معیارها و شاخص‌هایی برای ارزیابی کارآمدی این نظام ارائه نشده است. از این رو، در پژوهش حاضر تلاش بر این است تا الگویی برای سنجش و ارزیابی وضعیت کارآمدی در نظام جمهوری اسلامی ایران ارائه گردد. هدفی که با استفاده از روش مدل‌سازی توصیفی مفهومی، در مرحله تجزیه مفهومی و تعیین ضابطه‌ها و شاخص‌هایی عینی برای سنجش کمی و کیفی برای مفهوم کارآمدی نظام‌های سیاسی می‌باشد، پی گرفته شده است.

۱. ضرورت و الزامات

کارآمدی معطوف به بقا و پایداری نظام‌های سیاسی است. درواقع، در زمانه وابستگی و تداوم حکومت‌ها به ایده‌ها، اندیشه‌ها و افکار عمومی، کارآمدی در جای خود عنصری مؤثر در حمایت ذهنی و ایستاری و حتی رفتاری شهروندان از نظام‌های سیاسی است. از این رو، باتوجه به اهمیت موضوع کارآمدی، نظام‌های سیاسی برای آگاهی از وضعیت کارآمدی خود نیازمند ضابطه‌ها و شاخص‌هایی برای ارزیابی وضعیت خود هستند. علاوه براین، جهان عرصه رقابت‌های ایدئولوژیک برای به نمایش گذاشتن توانمندی‌های ایدئولوژی‌ها و موفقیت نظام‌های سیاسی مبتنا یافته بر این ایدئولوژی‌ها است. از این رو، کارآمدی و موفقیت در عمل و در عرصه منازعات بین‌المللی نیز حائز اهمیت است.

کارآمدی مفهومی چندسطحی و چندبعدی است؛ در سطح کلی ناظر بر توانمندی‌هایی که همه نظام‌های سیاسی باید از آن برخوردار باشند و این سطح در مورد همه نظام‌های سیاسی به یک میزان شایع است. این نوع از کارآمدی بیشتر در حوزه سیاست ملایم، مسائل امنیتی، دفاع از مرزها و تأمین تمامیت ارضی و... معنا می‌یابد. سطح دیگر از کارآمدی، تعریفی از کارآمدی است که با توجه به ضوابط ارزشی و هنجاری حاکم بر نظام‌های سیاسی تعریف می‌شود. تفاوت در ارزیابی کارآمدی حکومت‌ها نیز به این سطح از کارآمدی مربوط می‌شود. از این رو، مدل ارزیابی کارآمدی باید به گونه‌ای طراحی شود که علاوه بر ابعاد نوعی کارآمدی، توانایی بازنمایی مختصات و ویژگی‌های ارزشی و هنجاری خاص نظام‌های سیاسی را در نیز داشته باشد.

۲. مفاهیم

۲-۱. کارآمدی

کارآمدی از نظر لغوی به «مفید بودن، خدمت کردن، به کار آمدن، در خور بودن» (دهخدا، ۱۳۷۷). معنا شده است، اما از نظر اصطلاحی، آنچه بیشتر کاربرد دارد اصطلاحاتی نظیر اثربخشی و کارایی است که در علوم اقتصادی، مدیریت، علوم سیاسی و رشته‌های وابسته مورد استفاده قرار گرفته است. به عنوان مثال؛ در فرهنگ اقتصادی، کارآمدی مترادف کارایی و به «استفاده مطلوب از منابع یا عوامل تولید یا قابلیت و توانایی رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده» تعریف شده است (گلریز، ۱۳۶۸، ص ۱۷۱). در دانش مدیریت کارآمدی «به درجه و مقداری که یک اقدام یا فعالیت به هدف پیش‌بینی شده نایل می‌شود یا به نسبت ستاده‌ها به نهاده‌ها»، تعریف شده است (زاهدی، ۱۳۷۶، صص ۱۱۱-۱۱۲). در ادبیات سیاسی، کارایی به «تحقق عینی یا توان سیستم در تحقق کارکردهای اساسی یک حکومت»، (لیپست، ۱۳۷۴، ص ۱۰) یا «انجام اقداماتی است که از آن راه بیشترین بازده و بهره را با کمترین کوشش، رنج و خشونت بتوان به دست آورد» تعریف شده است (ابوالحمد، ۱۳۷۰، ص ۲۴۷). از این رو، نظام سیاسی زمانی کارآ است که توان ایفای وظایفی را که بیشتر حکومت شونده‌گان از آن

انتظار دارند، داشته باشد و وظیفه اصلی یک نظام سیاسی پشتیبانی همه جانبه از زندگی فردی، سیاسی، اجتماعی، مادی و معنوی همه شهروندان به ویژه پاسداری از امنیت و آسایش آنان در اجتماع است» (ابوالحمد، ۱۳۷۰، ص ۲۴۷).

با این وجود، کارآمدی برخلاف کارایی که به کارکردها و وظایف نظام ارجاع دارد، بیانگر وجه هستی‌شناختی یا فلسفه وجودی نظام‌ها است. در این صورت، مرجع کارآمدی موجودیت و هستی نظام به مثابه یک کل است که ضابطه‌های تعیین آن اصطلاحاً درون سیستمی نیست، بلکه از بیرون از سیستم تعیین می‌شود. در این جا ترجیحات، نیازها و خواسته‌های مؤسسان یا کاربران سیستم است، که آن را کارآمد یا ناکارآمد می‌سازد، نه توانمندی‌های سیستم به تنهایی. در واقع نظام‌های سیاسی در کلیت آنها در صورتی کارآمد ارزیابی می‌شوند که علاوه بر موفقیت در تحقق اهداف یا فلسفه وجودی شان، موفق به کسب حداکثر رضایت مردم در شرایط متغیر و پیچیده زمانی و مکانی باشند؛ بنابراین کارآمدی مفهومی است که؛

الف. معطوف به حفظ موجودیت و استحکام یافتگی عوامل است و در نتیجه، پایداری آنها را تضمین می‌کند.

ب. معطوف به تحقق اهداف از پیش تعیین شده برای عوامل است.

ج. به توانایی عوامل در انطباق با شرایط جدید و در نتیجه آن، وظایف جدید مربوط است.

د. به توانایی و موفقیت عوامل در تحقق انتظارات از آنها مرتبط است؛ زیرا کارآمدی علاوه بر آن که مقوله‌ای عینی و ابزاری است در عین حال، تا حدی مقوله ذهنی و هنجاری نیز می‌باشد. به بیان دیگر، در ارزیابی کارآمدی یک سیستم، علاوه بر اندازه‌گیری توان واقعی آن سیستم در تحقق اهداف از پیش تعیین شده برای آن و تأمین انتظارتی که متوجه آن است، مردم آن جامعه نیز باید به این ارزیابی برسند که نظام موجود توانایی حل مشکلات و رفع نیازهای آن را داشته یا آنکه قصد حل مشکلات و رفع نیازهای اساسی آنها را دارا می‌باشد.

ه. تحصیل رضایت شهروندان و دیگر کسانی را که انتظاراتشان متوجه سیستم است و سیستم موظف به برآوردن آنهاست، در پی دارد.

۲-۲. مدل

مدل در لغت به معنای نمونه، سرمشق، طرح و الگو است. در تعریفی ساده، الگو یا مدل، نمایش نظری و ساده شده از جهان واقعی می‌باشد (سورین، تانکارد، ۱۳۸۶، ص ۶۵). مدل، طرح و نمونه‌ای است، که از آن الهام گرفته و پیروی می‌شود و یا نسخه‌ای از آن برداشته می‌شود (روشه، ۱۳۷۹، ص ۴۴). مدل‌ها برداشت‌های ذهنی از دنیای واقعیات هستند یا به عبارتی، مدل معمولاً نمونه یا الگویی است اقتباس شده از مسائل عینی و واقعی که روابط بین متغیرها را نشان می‌دهد و پیش‌بینی را ساده می‌کند (الوانی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۵). در واقع، مدل جزء کوچک یا بازسازی کوچک شده یک شیء یا پدیده بزرگ است که از لحاظ کارکرد با آن شیء یا پدیده واقعی، یکسان است. به باور روشه، توسل به مدل در همه علوم یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است؛ چون واقعیت اجتماعی امری غامض است، برای آنکه بتوان از این واقعیت پیچیده سخن گفت و آنرا به اجزا و عناصر متشکله‌اش تجزیه کرد، قیاس صورت می‌گیرد؛ این قیاس، میان جامعه پیچیده با اشیا و موجودات ساده و شناخته شده‌تر انجام می‌گیرد که اصطلاحاً الگو اطلاق می‌شوند (توسلی، ۱۳۶۹، ص ۱۴۳).

مدل‌ها با توجه به شاخص شکل و کارکرد قابل تقسیم به مدل‌های شناختی، پیش‌بینی‌کننده، تصمیم‌گیری و هنجاری هستند (نک. الوانی ۱۳۷۹؛ دوران ۱۳۷۷، صص ۶۷-۶۹). در مقاله حاضر مدل ارزیابی ملاک است که به مثابه ابزاری برای سنجش توانمندی‌ها، کاستی‌ها، نقاط قوت و ضعف سیستم‌های موردنظر، به کار می‌رود.

۲-۳. ارزیابی

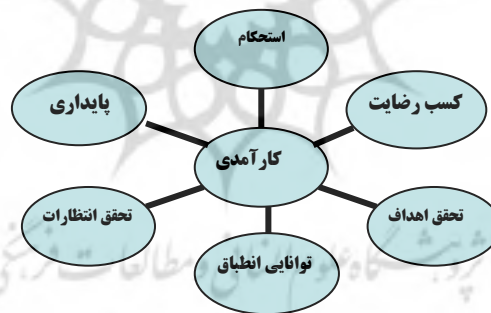
ارزیابی از نظر لغوی عبارت است از: «عمل یافتن ارزش و بهای هر چیز، سنجش و بررسی حدود هر چیز و برآورد کردن ارزش آن». چارلز جونز واژه سنجش را دقیق‌ترین معنی برای ارزیابی در عرصه تحلیل سیاستگذاری‌های عمومی می‌داند (ر.ک: وحید، ۱۳۸۸، ص ۱۶۹). از نظر اصطلاحی نیز ارزیابی دلالت دارد بر (اشتریان، ۱۳۹۱، ص ۲۷۸):

یک. ارزیابی به طور کلی؛ «تلاشی است برای درک و فهم اثرات رفتار انسان بویژه ارزیابی اثرات برنامه‌های خاص بر روی جنبه‌هایی از رفتار که به‌عنوان اهداف این مداخله به شمار می‌رود.»

دو. ارزیابی خط و مشی؛ «بررسی اثربخشی کلی یک برنامه ملی در پاسخگویی به اهداف آن یا ارزشیابی از اثربخشی نسبی دو یا چند برنامه در پاسخگویی به اهداف متداول است.»

سه. ارزیابی در رشته سیاستگذاری عمومی؛ «به طور کلی، ارزیابی عبارت است از رسیدگی، احصا و تحلیل دستاوردها، پیامدها و میزان نیل به اهداف یک سیاست، و برنامه.»

باتوجه به آنچه گفته شد، مدل نظری - مفهومی این پژوهش از نوع مدل شناختی است و مدل ارزیابی مورد نظر، از نوع «کلامی^۵ هنجاری» است که البته برای انتقال بهتر مضامین از مدل‌های ترسیمی نیز استفاده می‌شود.

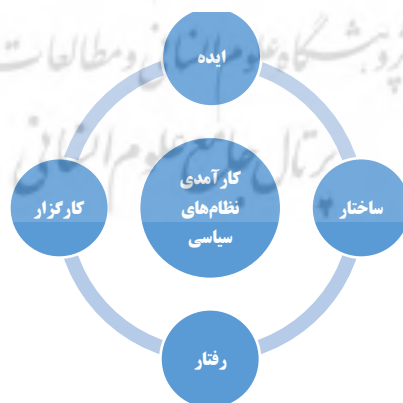


نمودار شماره ۱. مدل مفهومی ابعاد کارآمدی

۳. کارآمدی نظام‌های سیاسی

در این پژوهش کارآمدی با در نظر گرفتن ارکان نظام‌های سیاسی و با نظر به رابطه تعاملی عوامل مورد بحث قرار می‌گیرد. این نوع تبیین، ساختار و کارگزار را منطقاً مستلزم یکدیگر می‌داند و به تلفیق عوامل ساختاری و کارگزاری در چارچوب تبیینی واحد نظر دارد؛ اما فراتر از توجه به عوامل ساختاری و کارگزاری، بر آن است که

نظام های سیاسی در سطحی بنیادی تر، دارای وجه یا بُعد «ایده‌ای» نیز می‌باشند. توضیح آنکه هر نظام سیاسی، مبتنی بر مجموعه‌ای از ایده‌ها، وضع مطلوبی را برای خود تصور می‌کند و به شهروندان خود نوید تحقق آن را می‌دهد، اما ایده‌ها برای تحقق یافتن و به عینیت پیوستن نیازمند آن هستند تا در چارچوب ساختارها تجسم یافته تا با فراهم کردن شرایط منع و ترغیب بر کارگزاران (فاعلان درون خود) پیامدهای مطلوب و مدنظر را ظاهر سازند؛ بنابراین، در حالی که ایده‌ها به مثابه نهاده‌های نظام‌های سیاسی عمل می‌کنند و ساختارها نیز به مثابه دستگاه پردازشگر، کارگزاران به مثابه توانایی‌های نظام‌های سیاسی تصور می‌شوند که با برخورداری از توانایی‌های پنجگانه استخراجی، تنظیمی، توزیعی، نمادین و پاسخگویی قادرند تا با رفتارهای مناسب و مطلوب، خروجی‌های موردانتظار، رضایت‌بخش و تضمین‌کننده بقای سیستم را تولید کنند. از این رو، در تعریف کارآمدی نظام‌های سیاسی می‌توان گفت که یک نظام سیاسی زمانی کارآمد تلقی می‌شود که علاوه بر کارآمدی در سطح ایده، با دارا بودن ساختارهای کارآمد و کارگزاران شایسته بتواند با بروز رفتارهای مناسب و مطلوب، در تحقق اهداف خود موفق بوده، به گونه‌ای که حداکثر رضایت را برای شهروندان خود به ارمغان آورده و تا حد ممکن به انتظارت آنها جامه عمل پوشانده تا از رهگذر آن، بقا و استمرار خود را تضمین کند. با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان برای کارآمدی نظام‌های سیاسی چهار سطح (ایده، ساختار، کارگزار و رفتار) قائل بود.



نمودار شماره ۲. سطوح کارآمدی نظام‌های سیاسی

۳-۱. شاخص‌های کارآمدی نظام‌های سیاسی در سطح ایده

هر نظام سیاسی مبتنی بر یکسری بنیان‌های نظری (ایده‌ای) است که در حکم علت پیدایش یا اندیشه بنیادین تأسیس دولت به شمار می‌رود و ریشه در باورها، ارزش‌های بنیادین، آرمان‌ها، منافع، ایدئولوژی، فرهنگ سیاسی و... مردم آن دارند. به گونه‌ای که تعبیر و تفسیر سیاست ملی و بین‌المللی با آرمان‌ها، ارزش‌ها و تمایلات آمیخته است (چیلکوت، ۱۳۹۱، ص ۷۲). به طور مشخص‌تر، بُعد ایده‌ای شامل ایده حاکمیت، تئوری‌ها و سازوکارهای نظری اداره جامعه توسط نظام حاکم است (ره‌پیک، زمانی، ۱۳۸۹، ص ۱۳) که با تعبیر مختلفی چون «ایدئولوژی»، «قواعد تشکیل دهنده حاکمیت» و حتی «هویت ملی» از آن تعبیر شده است (ر.ک: عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۵).

بنیان‌های ایده‌ای علاوه بر اینکه وجه تأسیسی دارند؛ یعنی می‌توانند مبنای شکل‌گیری و تأسیس دولت‌ها قرار گیرند (ر.ک: حافظ‌نیا، ۱۳۸۸، صص ۱۴-۱۳)، تعیین‌کننده اهداف دولت‌ها هستند؛ بدین معنا که ایده حاکمیت، عمل سیاسی دولت را به نوعی تعیین و هدایت می‌کند یا به آن الهام می‌بخشد (هیوود، ۱۳۹۲، ص ۶۷). ایجاد و حفظ انسجام و همبستگی اجتماعی نیز از کارویژه‌های بعد ایده‌ای است. نظام ایده‌ای همچنین در تعیین بخشی به سایر ارکان نظام‌های سیاسی (ساختارها، کارگزاران و رفتارها) مؤثر است. در واقع، سیاست‌گذاری و منطق‌کنش در چارچوب هر پارادایم قدرتی مبتنی بر دو اصل؛ «اسطوره چارچوب» و «معمای بازتولید» است. منظور این است که در هر پارادایم قدرتی تنها ساختارها، کارگزاران و رفتارهایی امکان بروز و ظهور می‌یابند که هم در چارچوب اصول اساسی ایده‌های آن پارادایم قدرت قرار داشته باشند و هم پس از استقرار به گونه‌ای عمل کنند که آن اصول را تقویت و بازتولید کنند (ستاری، ۱۳۹۰، صص ۵۹-۵۴). کارکرد دیگر نظام ایده‌ای، تأثیرگذاری بر موانع و امکانات است؛ بدین معنا که پاره‌ای از نظام‌های ایده‌ای با مشروع یا نامشروع قلمداد کردن برخی ابزارها، در استخدام یا عدم‌استخدام آنها تأثیر می‌گذارند و بدین ترتیب بر میزان (کم یا زیاد شدن) امکانات و موانع در فرایند حرکت به سوی تحقق اهداف تأثیر می‌گذارند. با توجه به اهمیت و نقش ایده‌ها، آنها علاوه بر مشروعیت‌بخشی به

ساختارها، کارگزاران و رفتارها، با معضل‌گشایی و بن‌بست‌شکنی، ظرفیت‌سازی و ارتقای موقعیت نظام سیاسی در کارآمدی نظام‌های سیاسی مؤثرند. بر این اساس مهمترین ضابطه‌های کارآمدی نظام‌های سیاسی در سطح ایده عبارت‌اند از:

الف. معضل‌گشایی: نظام‌های سیاسی همواره از یک سو از جانب ایده‌های رقیب و از سوی دیگر باتوجه به پیچیدگی‌های محیط و انتظارات جدید شهروندان با مسائل، شبهات و چالش‌هایی مواجه می‌شوند که می‌توان از آنها تعبیر به «معضل»^۱ کرد. نظام ایده‌ای در برخورد با معضل‌های عملی یا باید به توجیه آنها پردازد؛ زیرا در واقعیت ممکن است معضلی موجود نباشد، بلکه عده‌ای آن را معضل فرض کنند یا اینکه در برخورد با معضلات موجود، آنجا که لازم است تا ابتدا از معضل‌ها در سطح ایده گره‌گشایی شود، از کارآمدی لازم برخوردار باشد؛ یعنی بتواند پاسخ نظری مقتضی برای حل و رفع چالش‌های عملی موجود ارائه کند. نظام ایده‌ای همچنین باید به چالش‌های نظری متعددی که متوجه عناصر اصلی آن می‌شود و بویژه از سوی ایده‌های رقیب مطرح می‌شوند پاسخ دهد. در واقع، نظام ایده‌ای برای پایداری و بقای خود از یک سو و مقابله و پاسخگویی یا به عبارت دقیق‌تر، طرد و به حاشیه راندن ایده‌های رقیب نیازمند آن است تا پیوسته خود را بازتولید کند. برای این منظور لازم است که این نظام ضمن تبیین، تفسیر و رمزگشایی از عناصر اساسی تشکیل دهنده خود، با مفهوم‌سازی و تحول مفاهیم، به نوآوری و ابداع نظری و مفهومی پردازد؛ بنابراین منظور از «معضل‌گشایی» در سطح ایده‌ای، عبارت است از اینکه نظام ایده‌ای در مواجهه با معضل‌های نظری و عملی که متوجه نظام سیاسی می‌شوند، قادر به توجیه تضادهای ظاهری و ارائه پاسخ‌های مناسب، ارائه راهکار، نوآوری نظری و مفهومی باشد.

ب. بن‌بست‌شکنی: منظور از بن‌بست، مسائلی است که در ظاهر فاقد راه‌حل می‌باشند (رک: فرهنگ معین). بن‌بست مسئله یا موضوعی است که براحتی و براساس رویه‌های عادی نمی‌توان آن را حل و رفع کرد. بن‌بست‌ها^۲ معمولاً در روند اجرای قانون و در نتیجه تضادها و اختلاف‌هایی که میان برخی از بندهای قوانین اساسی وجود

دارد بروز می‌کنند یا اینکه در نتیجه تلاش برای حل معضل‌ها، آنگاه که حل آنها با پاره‌ای از آرمان‌ها، ارزش‌ها، شعارها، قانون اساسی و... در تعارض باشد، بروز می‌کنند. ج. افق‌گشایی: ایده‌های یک نظام سیاسی علاوه بر اینکه باید در رفع معضل‌ها و بن‌بست‌ها نقش مفید و مؤثر خود را در کارآمدسازی نظام‌های سیاسی اثبات کنند، همچنین باید با هموار کردن مسیر دستیابی به ارزش‌های کمیابی مانند توسعه، رفاه، امنیت، آزادی، مردمسالاری و... افق‌های جدید و روشنی را برای شهروندان و نظام سیاسی نوید دهند. افق‌گشایی نیز در دو ساحت نظر و عمل موضوعیت می‌یابد. بنابراین، توانایی توجیه واقعیات، توانایی ارائه راهکار برای حل و رفع معضل‌ها و بن‌بست‌ها، توانایی پاسخگویی به ایده‌های رقیب و همچنین توانایی پاسخگویی به مسائل مستحدثه مهم‌ترین شاخص‌های کارآمدی نظام‌های سیاسی در سطح ایده محسوب می‌شوند.

۲-۳. شاخص‌های کارآمدی نظام‌های سیاسی در سطح ساختار

ساختار به عنوان «مجموعه همبسته‌ای از نقش‌ها، گروه‌ها، هنجارها و ارزش‌ها و نهادهایی که کنش‌های خاصی را تجویز، تحریم، تشویق و یا تقبیح می‌کنند» تعریف می‌شود (ر.ک: چیلکوت، ۱۳۹۱، ص ۲۷۷)، در فرایند تحقق اهداف دولت‌ها و تأمین انتظارات شهروندان ضروری است. ساختارها از طریق تقیید و تحریک کارگزاران آثار خود را ظاهر می‌کنند؛ کارگزاران در چارچوب سیاسی و اجتماعی خاصی به دنبال اهداف خود می‌روند و این چارچوب‌ها تنگناها و فراخنهایی برای انتخاب و عمل آنها فراهم می‌کنند؛ اما اغلب ساختارها تعیین‌بخش به پیامدها نیستند، بلکه تنها احتمالشان را افزون‌تر می‌کنند (لیتل، ۱۳۸۸، صص ۱۷۰-۱۶۸). با توجه به آنچه گفته شد، مهم‌ترین ویژگی‌های ساختارها عبارت‌اند از: ۱- ساختارها متناسب و مبتنی بر ایده‌ها می‌باشند، ۲- ساختارها برای تأمین اهدافی ایجاد می‌شوند، ۳- محدودیت‌ها یا فراخنهایی برای فعالیت کارگزاران تعیین می‌کنند. منظور از ساختارها در اینجا صرفاً ساختارهای مادی نیست، بلکه ساختارهای حقوقی^۵ قانونی نیز به اندازه ساختارهای مادی اهمیت دارند (های، ۱۳۸۵، ص ۵۱ و مشیرزاده، ۱۳۹۲، ص ۳۳۴)، بنابراین، چون

قانون اساسی در هر کشوری از یک سو شامل کلیه قواعد و مقررات مربوط به قدرت و انتقال و اجرای آن، موازین و اصول حاکم بر روابط سیاسی افراد در ارتباط با نهاد دولت، نهادهای سیاسی، طرز تنظیم وظایف، روابط و رفتار نهادها و قوای حکومتی با هم و... است، و از سوی دیگر تجلی و منعکس کننده عرف‌ها، هنجارها، ارزش‌ها و... یک ملت است، می‌تواند نزدیک‌ترین و در عین حال کامل‌ترین عنصر در ارتباط با مفهومی باشد که در اینجا از ساختار منظور می‌باشد. از این رو، در بحث از کارآمدی نظام‌های سیاسی در سطح ساختار، به طور عمده مبنای تحلیل و بررسی قانون اساسی می‌باشد.

مسئله اصلی در خصوص ساختارها، نقش آنها در کارآمدی نظام‌های سیاسی است. در واقع، ساختارها چون برای تأمین اهدافی ایجاد می‌شوند، علاوه بر دارا بودن قابلیت هماهنگی و همگامی با تحولات و تغییرات، در راستای تأمین نیازها و انتظارات نیز باید تغییر کنند. به بیان دیگر، ساختارها به منظور اینکه از عهده تأمین اهداف، نیازها و انتظاراتی که متوجه آنهاست برآیند، می‌بایست در مقابل تغییرات و تحولات زمانه از قدرت انعطاف برخوردار باشند، به گونه‌ای که نه تنها نسبت به تحولات بی‌توجه نباشند، بلکه برای مدیریت این تحولات مجهز به مکانیسم‌های خود تقویت‌کننده و در صورت لزوم اصلاح‌گر باشند. به عبارتی، توانایی انطباق با شرایط جدید و متغیر که از ابعاد مفهوم کارآمدی محسوب می‌شود و در نظریه کارکردگرایی ساختاری پارسونز نیز بر آن تصریح شده است (بشیریه، ۱۳۹۱، صص ۸۶-۸۵)، مربوط به وجه ساختاری نظام‌های سیاسی است. از این رو، بیان شاخص‌های کارآمدی نظام‌های سیاسی در سطح ساختار معطوف به عملیاتی شدن و تأمین این بُعد از مفهوم کارآمدی است.

الف. انطباق با ایده‌ها و ارزش‌ها: ساختارهای هر نظام سیاسی اساساً مبتنی بر ایده‌های بنیادین آن نظام سیاسی تأسیس می‌شوند. در واقع، چون هر ساختاری برای انجام کارویژه‌ای ایجاد می‌شود و از طرفی، تعیین کارویژه‌های مختص هر ساختار نیز عمدتاً منبعث از نظام ایده‌ای می‌باشد، اولین شرط برای کارآمدی یک ساختار، انطباق آن با ایده‌هایی است که زیربنای اساسی تشکیل آن محسوب می‌شوند.

ب. امکان پیش‌بینی تغییرات: چون ساختارها در محیط‌های پیچیده‌ای عمل می‌کنند که امکان پیش‌بینی تغییرات در آن اندک است، طراحی ساختار باید به گونه‌ای باشد که نه تنها امکان پیش‌بینی تغییرات را در خود فراهم کند، بلکه اساساً باید ظرفیت مواجهه با تغییرات را نیز داشته باشد. چنانچه ساختاری به مکانیسم‌هایی از این دست مجهز باشد می‌تواند مطمئن باشد که نه تنها در مقابل تغییرات و تحولات جدید دچار ایستایی و رکود نخواهد شد، بلکه با پیش‌بینی زود هنگام و بموقع تغییرات می‌تواند کارویژه انطباق و سازواری با محیط را تأمین کند.

ج. انعطاف‌پذیری: اگرچه ظرفیت مواجهه با تغییر در نوع خود مهم است، اما مسئله اصلی این است که پس از حادث شدن تغییرات و مواجهه ساختارها با آنها، ساختارها به چه میزان می‌توانند در مقابل این تغییرات به «تخریب خلاق»^۳ دست یازند (ر.ک: عجم اوغلو، رابینسون، ۱۳۹۳، صص ۱۱۸-۱۰۵). در واقع چون ساختارها بر مبنای اصول ثابتی تأسیس می‌شوند و فعالیت می‌کنند و از سویی، در محیط نظام‌های سیاسی تغییرات و تحولات مداومی صورت می‌گیرد که ساختارها نباید نسبت بدانها بی‌توجه باشند، حال مسئله این است که با این وجود، چگونه میان ساختارها با اصول ثابت و تحولات زمانه می‌توان نسبت برقرار کرد. صورت دیگر زمانی است که علیرغم طراحی و تأسیس دقیق ساختارها، آنگاه آنها که وارد مرحله عملیاتی شدن می‌شوند، نتوانند اهداف مورد انتظار را تأمین کنند یا اینکه اساساً در تنظیم روابط با دیگر ساختارها و... دچار مشکل شوند. برای این منظور معمولاً در چارچوب ساختارها اصولی برای بازنگری پیش‌بینی شده است تا در صورت حادث شدن تحولاتی که ساختار از عهده حل و رفع آنها برنیاورد یا مسائلی که مانع عملکرد صحیح و کامل ساختارها می‌شوند، تغییراتی در خود ایجاد کند؛ بنابراین، منظور از «انعطاف‌پذیری»^۴ این است که یک ساختار به چه میزان حاضر است در مقابل تغییرات، تحولات و شرایط جدید از خود واکنش نشان دهد تا از عهده انجام وظایف جدید بازماند. به بیان دیگر، انعطاف‌پذیری ساختارها به توانایی آنها در درونی کردن تغییرات و انطباق ساختارها با تغییرات و تحولات جدید اشاره دارد.

د. تفکیک اجزا و وظایف آنها: پس از استقرار ساختارها، کیفیت روابط و مناسبات میان اجزای ساختارها و خود ساختارها حائز اهمیت است. در این خصوص باید روابط میان ساختارها به گونه‌ای باشد که هر یک در عین انجام وظایف و کارویژه‌های خود، با سایر ساختارها ارتباطاتش را نیز به نحوی تنظیم کند که از کنترل و مداخله سایر ساختارها در امان باشد. در اینجا باید از اصل «تفکیک قوا»^۵ و اصل «کنترل‌ها و تعادل‌ها»^۶ سخن به میان آورد؛ بدین معنا که علاوه بر تفکیک حکومت به قوای مختلف، تکه‌های کوچکتری از هر یک از قوا به قوای دیگر داده می‌شود؛ به عبارت دیگر، هر یک از قوا دارای اختیار کنترل یکدیگر می‌شوند، به منظور اینکه هیچ یک از آنها به صورت دیکتاتوری در نیاید (رک: عالم، ۱۳۸۵، صص ۳۲۶-۳۲۳). توضیح آنکه تفکیک قوا بدون ایجاد تعادل میان قوا معنای واقعی خود را از دست می‌دهد. از این رو، برای رسیدن به اهداف مهار قدرت باید ابزارها و مکانیسم‌هایی تعبیه شده باشند که در خلال آنها هر یک از قوا بتوانند در عمل، قوای دیگر را تعدیل و به تعادل وادارند. بدین معنا که قوای مختلف باید در حدی از موازنه و تعادل قرار گیرند که نیروی برتری طلب هر یک از آنها با ابزارهای در نظر گرفته شده در قوای دیگر، خنثی یا به تعبیر دقیق‌تر، تعدیل و کنترل شود. این همان مکانیسمی است که از آن به «کنترل‌ها و تعادل‌ها» تعبیر شد.

۳-۳. شاخص‌های کارآمدی نظام‌های سیاسی در سطح کارگزاری

کارگزاران، مدیران یا به تعبیری بوروکرات‌ها برای نظام‌های سیاسی در حکم قوای حاسه هستند که تحقق اهداف و انجام کارویژه‌های مختص نظام‌های سیاسی جز با وجود کارگزارانی شایسته، متعهد، متخصص و... امکانپذیر نیست. براساس تحلیل‌های کارگزارمحور، برای فهم نتایج سیاسی باید صرفاً انگیزه و اراده کارگزاران را بررسی کرد. هرچند این تحلیل، تحلیلی ساده و تک‌علتی محسوب می‌شود (های، ۱۳۹۰، صص ۳۱۳-۳۱۲)، اما بیانگر اهمیت کارگزاران در شکل دادن و ظهور هر پدیده و پیامد اجتماعی است. می‌توان از برخی توانمندی‌هایی که کارگزاران (مدیران یا رهبران) برای انجام وظایف و نقش‌های خود در چارچوب ساختارها بدانها نیازمندند، به عنوان

ضابطه‌های کارآمدی کارگزاران و مدیران نام برد. این ضابطه‌ها در ادبیات علم مدیریت با عنوان مهارت‌های چهارگانه مدیریت ذکر شده‌اند (حقیقی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۳۷ و ر.ک: صالحی امیری، ۱۳۸۵، صص ۳۷-۳۵).

الف. مهارت‌های تکنیکی (فنی): این نوع مهارت‌ها به جنبه‌های فنی شغل مربوط می‌شوند و در سطوح پایین مدیریتی مهمترین مهارت‌ها را تشکیل می‌دهند. مهارت‌های فنی شامل فراگیری تکنیک‌هایی است که لازمه کار با ابزار و موضوع کار در سازمان می‌باشند. به موازات ارتقای یک کارگزار (مدیر) در سلسله مراتب سازمانی، اهمیت مهارت‌های فنی برای وی کاهش می‌یابد. کارگزاران (مدیران) عملیاتی بیشتر نیازمند این نوع مهارت‌ها می‌باشند.

ب. مهارت‌های انسانی: این مهارت‌ها به جنبه‌های انسانی در چارچوب ساختارها معطوف هستند. در اینجا، روابط متقابل کارگزاران، بویژه کارگزاران سطوح بالاتر با کارگزاران سطوح پایین تر، مورد توجه است. ایجاد انگیزش در کارگزاران، پدید آوردن روحیه همکاری و مشارکت در کار و رفع تعارضات و تبدیل آنها به همکاری از جمله توانایی‌ها یا مهارت‌های انسانی محسوب می‌شوند. علیرغم اهمیت این مهارت برای همه مدیران، اما اهمیت آن برای مدیران میانی بیشتر است.

ج. مهارت‌های ادراکی یا تفهیمی: این نوع از مهارت به توانایی‌های ذهنی مدیران و از جمله قدرت انتزاعی تفکر آنها مربوط است. به بیان دیگر، به توانایی فرد در چگونگی اعمال نگرش راهبردی از ساختار ارتباط دارند. کلان‌نگری و توانایی ساختن سناریوهای احتمالی، طراحی استراتژی‌های عمل سازمان، پیش‌بینی تحولات محیطی و آنچه پیش‌روی عملکرد سازمان و اهداف آن است از جمله مهارت‌های ادراکی می‌باشند. این نوع مهارت‌ها در سطوح بالایی مدیریت از حداکثر اهمیت برخوردارند.

د. مهارت‌های شناختی: این مهارت‌ها به مدیران توانایی و امکان درک بهتر علل و اثر روابط و همچنین تشخیص بهتر و دقیق‌تر راه‌حل مسائل را می‌دهند.

نکته مهم و قابل تذکر اینک؛ باتوجه به ساده و تک‌علتی و همچنین نگاه تقلیل‌گرایانه و ناقص تحلیل‌های ساختارگرا و اراده‌گرا، این هر دو محدودکننده هستند و اگر در اینجا به طور جداگانه مطرح شده‌اند، از باب «تفکیک تحلیلی»^۷ می‌باشد؛

بنابراین، از آنجا که ساختار و کارگزار هر دو در تعیین بخشی به کنش‌ها تأثیر گذارند باید به قوام بخشی متقابل این دو در شکل بخشیدن به کنش‌ها توجه داشت (ر.ک: های، ۱۳۸۵، صص ۱۹۸-۱۹۷).

۳-۴. شاخص‌های کارآمدی نظام‌های سیاسی در سطح رفتاری

منظور از کارآمدی در سطح رفتار، کارآمدی در اجرا و عمل نظام‌های سیاسی می‌باشد؛ یعنی در اینجا این سؤال طرح می‌شود که آیا نظام سیاسی در تحقق و به عینیت درآوردن اهداف و کمال مطلوب‌هایی که در ایده‌هایش پیش‌بینی کرده بود و وعده تحقق آنها را داده، موفق بوده است؟ از این رو، رفتار در اینجا شامل کلیه افعال و کنش و واکنش‌های نظام سیاسی را که در ارتباط با محیط داخلی و خارجی آن اتخاذ می‌شوند، می‌باشد. اهمیت این سطح از کارآمدی نظام‌های سیاسی نیز از آن روست که چنانچه نظامی از زاویه ایده، ساختار و کارگزار فاقد ایراد و نقص باشد، می‌بایست در اجرای صحیح و کارشناسانه برنامه‌های خود، برای نیل به اهدافش، نیز قاطعیت داشته باشد تا کارآمد تلقی شود. این سطح از کارآمدی، که عینی‌ترین سطح کارآمدی نظام‌های سیاسی محسوب می‌شود، به طور عمده مبنای ارزیابی و قضاوت شهروندان از کارآمدی نظام حاکم بر آنها نیز محسوب می‌شود. در واقع، کارآمدی در سطوح ایده، ساختار و کارگزار تنها در صورتی مفید و مؤثر تلقی می‌شود که منجر به بروز رفتارهای کارآمد شود و مسلم است چنانچه نظامی در سطوح مذکور کارآمدی داشته باشد، اما نتواند رفتارهای کارآمد از خود نشان دهد، ناکارآمد تلقی می‌شود.

در ارزیابی رفتارهای نظام‌های سیاسی همواره این سؤال‌ها مطرح است که رفتارهای مذکور تا چه میزان بر اهداف از پیش وعده داده شده منطبق بوده‌اند؟ تا چه میزان توانسته‌اند به نتایج و پیامدهای مطلوب شکل دهند؟ رفتارها طی چه مکانیسم و رویه‌ای عملیاتی شده‌اند؟ تا چه میزان توانسته‌اند نیازها و انتظارات را تأمین و برآورده سازند؟ و اینکه این رفتارها با چه میزانی از فوریت و با صرف چه هزینه‌ای توانسته‌اند به نتایج مطلوبی دست یابند؟ بنابراین، مهمترین شاخص‌های ارزیابی کارآمدی نظام‌های سیاسی در سطح رفتاری عبارت‌اند از: میزان انطباق رفتارها با ایده‌ها، میزان موفقیت

رفتارها در تحصیل نتایج مطلوب و موردانتظار، زمان (فوریت)، هزینه رفتارها و فرایند (کیفیت یا چگونگی تبدیل ایده‌ها به اعمال و رفتارها).

نمودار شماره ۱. مدل سنجش کارآمدی نظام سیاسی و مصادیق آن در نظام جمهوری اسلامی ایران

مصادیق	شاخصه‌های کارآمدی	ابعاد	ضابطه‌های کارآمدی	ارکان نظام‌های سیاسی
<ul style="list-style-type: none"> - ایده مصلحت نظام - ایده تغییر نظام از ریاستی به پارلمانی - سیاست‌های کلی نظام از جمله سیاست‌های کلی اصل ۴۴ - طرح مفهوم نرمش قهرمانانه 	<ul style="list-style-type: none"> - پاسخگویی به مسائل مستحدثه، - پاسخگویی به ایده‌های رقیب، - توانایی توجیه واقعیات، - توانایی ارائه راهکار 	<p>فناوری</p>	<ul style="list-style-type: none"> - معضل گشایی - بن بست شکنی - افق گشایی 	<p>ایده</p>
<ul style="list-style-type: none"> - تعبیه اصل بازنگری در قانون اساسی، - بازنگری قانون اساسی در سال ۶۸، - طرح امکان پارلمانی شدن نظام سیاسی از سوی مقام معظم رهبری 	<ul style="list-style-type: none"> - تطابق با ارزش‌ها و ایده‌ها، - قابلیت پیش‌بینی تغییرات، - انعطاف پذیری ساختاری، - تفکیک اجزا و وظایف آنها 	<p>فناوری</p>	<ul style="list-style-type: none"> - انطباق پذیری 	<p>سازمان</p>

مصادیق	شاخصه‌های کارآمدی	ابعاد	ضابطه‌های کارآمدی	ارکان نظام‌های سیاسی
- طرح ایده تشکیل تمدن نوین اسلامی، - رهبری و مدیریت انقلاب اسلامی تاسیس و پایداری سازی نظام جمهوری اسلامی ارتقای ظرفیت و موقعیت نظام جمهوری اسلامی ایران	- توانایی تشخیص مسائل، - توانایی ارائه راه حل، - توانایی در ایجاد همگرایی، - آینده نگری، - کلان نگری	تقدیر	- مهارت‌های فنی، - مهارت‌های انسانی، - مهارت‌های ادراکی، - مهارت‌های شناختی	کارگزار
- تثبیت مردمسالاری دینی و انتخابات عمومی - محرومیت‌زدایی و برنامه‌های توسعه	- انطباق با ایده‌ها، - تحویل نتایج مطلوب، - زمان (فوریت)، - هزینه، - فرایند	سود	تحقق اهداف (سودمندی کارکردی)	رئیس

جمع‌بندی

کارآمدی در نظام جمهوری اسلامی ایران همانند سایر نظام‌ها دارای ابعاد مشترک و ابعاد خاص است. تفاوت در ایدئولوژی نظام جمهوری اسلامی با ایدئولوژی سایر نظام‌های سیاسی، تفاوت‌هایی در ساختار، رفتار، اهداف و کارگزاران این نظام با سایر نظام‌های سیاسی ایجاد کرده است. از این رو، ارزیابی کارآمدی این نظام نیاز به مدلی دارد که علاوه بر بازنمایی وجوه مشترک با سایر نظام‌ها، ابعاد و ویژگی‌های خاص این

نظام را نیز بازنمایی کند. الگوی ارائه شده در این مقاله بر اساس مختصات نظام جمهوری اسلامی و با نظر داشت وجوه مشترک آن با سایر نظام‌های سیاسی، طراحی شده است. تقسیم ابعاد کارآمدی به چهار سطح ایده، ساختار، کارگزار و رفتار و ارائه شاخص‌های قابل سنجش همراه با نمونه‌های عینی در نمودار انتهای مقاله، مدلی برای سنجش کارآمدی نظام جمهوری اسلامی به صورت خاص و به صورت مقایسه‌ای با سایر نظام‌های سیاسی است.

یادداشت‌ها

1. problem
2. impass
3. creative destruction
4. flexibility
5. separation of powers
6. checks and balances
7. analytical separation

کتابنامه

- آلموند، گابریل، پاول، بینگهام، مونت، رابرت (۱۳۷۶)، چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۷۰)، مبانی سیاست، جلد اول، چاپ ششم، تهران: توس.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۳)، درآمدی بر کارآمدی در نظام سیاسی اسلام، تهران: دانش و اندیشه معاصر.
- اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱)، مقدمه‌ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی، تهران: جامعه‌شناسان.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی سیاسی، چاپ بیستم، تهران: نی.
- پروانه، محمود (۱۳۹۰)، الگوی جهان‌گرایی اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۶۹)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت.
- جعفری، محمدرضا (۱۳۷۷)، فرهنگ نشر نو، جلد ۱، تهران: تنویر.
- چیلکوت، رونالد (۱۳۹۱)، نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای، ترجمه وحید بزرگی، علیرضا طیب، چاپ چهارم، تهران: رسا.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۸)، جغرافیای سیاسی ایران، چاپ سوم، تهران: سمت.

حقیقی، محمدعلی و دیگران (۱۳۹۳)، مدیریت رفتار سازمانی، چاپ دهم، تهران: ترمه دوران، دانیل (۱۳۷۰)، نظریه سیستم‌ها، ترجمه محمدیمینی، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.

رضائیان، علی (۱۳۸۶)، مبانی سازمان و مدیریت، تهران: سمت.

روحانی، حسن (۱۳۷۹)، «درآمدی بر مشروعیت و کارآمدی»، فصلنامه راهبرد، شماره ۱۸، زمستان.

روشه، گی (۱۳۷۹)، کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی‌زاده، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد. ره‌پیک، سیامک، زمانی، علی‌اکبر (۱۳۸۹)، «امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران در چشم‌انداز ۱۴۰۴ ابعاد، شاخص‌ها و راهکارها»، پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، پائیز، شماره ۱۱، صص ۳۰-۱.

زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۷۶)، فرهنگ جامع مدیریت، تهران: چاپ سپهر.

ستاری، سجاد (۱۳۹۰)، «پارادایم قدرت» به مثابه رهیافت نظری جدید و جایگزین نظریات «دولت» و «نظام سیاسی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره سوم، تابستان، صص ۷۳-۴۵.

سورین، ورنر و تانکارد، جیمز (۱۳۸۶)، نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: دانشگاه تهران.

شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۷۶)، مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی دین، تهران: تیان.

شعبانی، قاسم (۱۳۸۵)، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، چاپ بیست و چهارم، تهران: اطلاعات.

صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۵)، مدیریت منازعات قومی در ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

طاهری، شهنام (۱۳۷۸)، بهره‌وری و تجزیه و تحلیل آن در سازمان‌ها (مدیریت بهره‌وری فراگیر)، تهران: هستان.

عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۵)، بنیادهای علم سیاست، چاپ چهاردهم، تهران: نشرنی

عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳)، نظریه‌های امنیت، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

- عجم اوغلو، دارون و رایینسون، جیمز ای (۱۳۹۳)، چرا کشورها شکست می‌خورند، ترجمه پویا جبل‌عاملی، محمدرضا فرهادی‌پور، تهران: دنیای اقتصاد.
- فتحعلی، محمود (۱۳۸۹)، درآمدی بر نظام ارزشی و سیاسی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- کلانتری، ابراهیم (۱۳۹۳)، «کارآمدی نظام سیاسی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه و ابزارهای آن»، فصلنامه سیاست (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی)، دوره ۴۴، شماره ۳، پائیز، صص ۴۸۱-۴۶۵.
- گلریز، حسن (۱۳۶۸)، فرهنگ توصیفی لغات و اصطلاحات علوم اقتصادی، تهران: مرکز آموزش بانکداری.
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۷۲)، نقد دینداری و مدرنیسم، تهران: اطلاعات.
- لیپست، سیمور مارتین (۱۳۷۴)، «مشروعیت و کارآمدی»، ترجمه رضایب، فرهنگ توسعه، شماره ۱۸، خرداد و تیر، صص ۱۱-۱۰.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۲)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ هشتم، تهران: سمت.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶)، آزادی معنوی، چاپ سی و هفتم، تهران: صدرا.
- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام (ره)، تهران: نشر عروج
- نراقی، یوسف (۱۳۷۰)، توسعه و کشورهای توسعه‌نیافته، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- الوانی، سیدمهدی (۱۳۷۹)، تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی، تهران: سمت.
- الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۱)، مدیریت عمومی، تهران: نی.
- وحید، مجید (۱۳۸۸)، سیاست‌گذاری عمومی، چاپ دوم، تهران: میزان.
- های، کالین (۱۳۸۵)، درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی، ترجمه احمد گل‌محمدی، تهران: نی.
- های، کالین (۱۳۹۰)، «ساختار و کارگزار» در: مارش، دیوید و استوکر، جری، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، چاپ ششم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۳۲۷-۳۰۳.